



Applying Selection Theory Strategies on the Quality of Students' Learning in the Classroom

nesa Albughish ^{1*}, Mahmood sheikhian ², Reyhaneh Khaninzadeh ³

1 First grade teacher of Rahyar Educational Complex

2 headmaster Rahyar Educational Complex

3 Teacher of the first grade of elementary school in Rahyar

* **Corresponding author:** First grade teacher of Rahyar Educational Complex,

Email: nesa_alb@yahoo.com

Received: 2020-08-07

Accepted: 2020-08-07

Abstract

In today's world, with the rapid growth of science and the increasing production of knowledge, and with the social and epistemological changes of human beings, we must go beyond the ideas and methods of education. Education can no longer be separated from upbringing and human beings can be valued on the basis of mastery of subjects. Today we can no longer accept the same education for all and the emphasis on archives. The new educational system in schools tries to provide a learning environment based on individual differences of students. In the mentioned article, the statistical population was an educational complex in the fifth district of Tehran; Using the methods of theory of selection of educational and behavioral problems of a number of first and second grade students of this complex has been observed and studied. The statistical results obtained from these studies have shown a positive trend in order to improve the learning conditions of students in these two courses, both in terms of education and behavior.

Keywords: Individual Differences, Theory of choice theory, Learning



به کار بردن راهبردهای تئوری انتخاب بر کیفیت یادگیری دانش-آموزان کلاس

نسا آلبوغیش*^۱، محمود شیخیان^۲، ریحانه خوانینزاده^۳

^۱ آموزگار پایه اول مجتمع آموزشی رهیار

^۲ مدیر دبستان مجتمع آموزشی رهیار

^۳ آموزگار پایه اول ابتدایی مجتمع آموزشی رهیار

* نویسنده مسئول: آموزگار پایه اول مجتمع آموزشی رهیار

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۷

چکیده

در دنیای امروز با رشد سریع علم و تولید روزافزون دانش و با تغییرات اجتماعی و معرفتی انسان‌ها باید از ایده‌ها و روش‌های تربیتی سابق فراتر برویم. دیگر نمی‌توان آموزش را از پرورش جدا کرد و انسان‌ها را بر اساس تسلط بر موضوعات درسی ارزش‌گذاری کرد. امروز دیگر نمی‌توانیم آموزش یکسان برای همه و تأکید بر محفوظات را بپذیریم. در نظام آموزشی جدید در مدارس سعی می‌گردد محیط یادگیری بر اساس تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان فراهم گردد. در مقاله‌ی مذکور جامعه‌ی آماری یک مجتمع آموزشی در منطقه‌ی پنج تهران بوده؛ که با به‌کارگیری روش‌های نظریه‌ی تئوری انتخاب مشکلات آموزشی و رفتاری تعدادی از دانش‌آموزان پایه‌ی اول و دوم دبستان این مجتمع مورد مشاهده و بررسی قرار گرفته است. نتایج آماری بدست آمده از این بررسی‌ها روند مثبتی را در جهت بهبود شرایط یادگیری دانش-آموزان این دو دوره چه از نظر آموزشی و چه از نظر رفتاری را نشان داده است.

واژگان کلیدی: تفاوت‌های فردی، نظریه‌ی تئوری انتخاب، یادگیری

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه رویکردی نو در علوم تربیتی محفوظ است.

۱- مقدمه

ترس باشد، در این خاک شور، هیچ گل زیبا و معطری که زندگی را زیبا کند، نخواهد روئید [۲]. بنابراین در تمام دوره‌های پیش-دبستان، دبستان، راهنمایی و دبیرستان رابطه‌ی معلم و دانش-آموزان باید مبتنی بر احترام و تعلق خاطر باشد، دانش‌آموزان باید به مدرسه، به کلاس درس و به مواد درسی‌شان احساس تعلق بکنند تا آن کار را انجام دهند، و مواد درسی باید به‌گونه‌ای به بچه‌ها ارائه بشود که از بالا به پایین و به‌عنوان تکلیف و به-عنوان چیزی که در آینده به دردتان می‌خورد نباشد، زیرا بچه «الان» را می‌خواهد و همین الان می‌خواهد، زود هم می‌خواهد، آنچه را که می‌خواهد، الان است، بنابراین اولیای مدرسه و اولیای دانش‌آموز باید بدانند که طبق نظریه‌ی انتخاب نمی‌توان به هیچ کس چیزی را به زور یاد داد و یا او را مجبور به انجام

گلاس معتقد است از زمانی که کودک از نظر زبانی رشد می‌کند و می‌تواند مفاهیم را بفهمد و درک بکند و زیر سؤال ببرد و به سؤالات پاسخ دهد، می‌توانیم نظریه‌ی انتخاب را در موردش به-کار بگیریم و چون مواد درسی و نحوه‌ی برخورد با بچه‌ها در مقاطع گوناگون به‌کارگیری نظریه متفاوت است، قطعاً انتخاب هم متفاوت می‌شود، اما اصولش یکسان است [۱]. بحث اصلی نظریه‌ی انتخاب این است که بین معلم به عنوان رئیس کلاس و بچه‌ها به‌عنوان مرئوسین باید یک رابطه‌ی دو جانبه‌ی مبتنی بر احترام متقابل وجود داشته باشد، گلاس شدیداً اعتقاد دارد، ترس زمین شوری است که هیچ گلی در آن نخواهد روئید، وقتی رابطه‌ی بین معلم و دانش‌آموز، بین والدین و بچه مبتنی بر

کاری کرد [۳]. به اعتقاد گلاسر در همه‌ی دوره‌های تحصیلی اولیای مدارس و اولیای دانش‌آموز باید یاد بگیرند که اگر می‌خواهند دانش‌آموزان از برنامه‌ی موردنظر آن‌ها پیروی کنند باید در دانش‌آموزان نفوذ کنند و با ترس و اجبار و انتقاد و تهدید نمی‌توان در انسان دیگری نفوذ کرد. در مدارس گلاسر هم بین دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان از نظر نحوه‌ی برخورد با دانش‌آموزان و نحوه‌ی دیدن آن‌ها به‌عنوان موضوعات اصلی یادگیری و یاددهی، هیچ نگرش متفاوتی وجود ندارد، دانش‌آموزان همه‌شان انسان هستند، همه‌شان رفتار می‌کنند و رفتارشان معطوف به هدف است، هدف همه‌شان هم ارضای نیازهایشان است. البته نیازهای دانش‌آموزان در دوره‌های گوناگون، متفاوت می‌شود بنابراین سبک رفتار نیز باید تا حدی متفاوت بشود [۳].

نظریه‌ی انتخاب و واقعیت درمانی اساساً برخلاف نظریه‌های دیگر که در حوزه‌ی علوم رفتاری هست، تکنیک مدار نیست، فرایند مدار است و فرایند مدار یعنی از ابتداً یک نظریه‌ی کاملاً روشن در مورد رفتار وجود دارد مبنی بر این که چرا انسان رفتار می‌کند و چگونه رفتار می‌کند. در نظام آموزش و پرورش معلم باید بداند آن چه از دانش‌آموز سر می‌زند و از خودش سر می‌زند یک «رفتار» است و نسبت به این که چرا دانش‌آموز این رفتار را نشان می‌دهد و چگونه رفتار می‌کند آگاه باشد تا بتواند فهم درستی از رفتار دانش‌آموز پیدا کند؛ یادگیری یک رفتار است، این که دانش‌آموز انتخاب می‌کند مشق خود را بنویسد یک «رفتار» است، این که مشق نمی‌نویسد یک رفتار است، این که بغل دستیش را اذیت می‌کند رفتار است این که به موقع به کلاس نمی‌آید یک رفتار است، حالا معلم باید درک درستی از دانش‌آموز داشته باشد این که چرا رفتار می‌کند و چگونه رفتار می‌کند، همه‌ی انسان‌ها وقتی رفتاری را نشان می‌دهند، رفتارشان معطوف به هدف است و هدف هم ارضای یکی از نیازهایشان است، یکی از نیازهای پنج‌گانه‌شان یعنی نیاز به بقا، عشق، قدرت، آزادی و تفریح .

بسیاری از روانشناسان و معلمان آموزشی معتقدند انگیزه‌ی دانش‌آموز در یادگیری او عاملی مهم می‌باشد. اگرچه صاحب‌نظران تعریف دقیق یادگیری را مشکل و حتی غیرممکن دانسته‌اند؛ اما می‌توان آن را به‌صورت جامع و عام، به مفهوم تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه دانست [۴]. یادگیری همواره به‌عنوان یکی از زمینه‌های مهم روان‌شناسی مورد توجه بوده، چرا که عده‌ای تمامی دستاوردهای جامعه‌ی بشری را به نوعی حاصل آن می‌دانند. امروزه مطالعات روان‌شناسی یادگیری، کمتر بر نقش آموزش‌دهنده تأکید دارند و بیش از آنکه معلم‌محور باشند، به بررسی نقش یادگیرنده در فرایند یادگیری مایل شده-

اند. راهبردهای یادگیری، سبک‌های شناختی هستند که یادگیرنده به کمک آن اطلاعات را پردازش می‌کند؛ از این رو اکثریت صاحب‌نظران و روان‌شناسان پرورشی به‌جای راهبردهای یادگیری، از اصطلاح راهبردهای شناختی یادگیری استفاده می‌کنند [۵]. راهبردهای شناختی اقداماتی هستند که به کمک آن‌ها اطلاعات تازه برای پیوند و ترکیب با اطلاعات قبلاً آموخته شده و ذخیره‌سازی آن‌ها در حافظه درازمدت آماده می‌شود. به ترتیب سطح پردازش به چهار روش تکرار یا مرور ذهنی، بسط یا گسترش معنایی، سازماندهی و تفکر انتقادی تقسیم می‌شوند [۵]. یکی از بهترین و کامل‌ترین راهبردهای یادگیری، سازماندهی است. سازماندهی، نوعی راهبرد گسترش معنایی است که در آن یادگیرنده برای معنادار ساختن یادگیری، به موضوعات نوعی چهارچوب یا ساختار سازمانی می‌بخشد؛ کاری که در راهبردهای بسط یا گسترش الزامی نیست.

تفکر انتقادی عمیق‌ترین راهبرد شناختی در یادگیری است که وول فولک^۱ در سال ۲۰۰۴؛ آن را به‌عنوان ارزشیابی نتایج از راه واری منطقی و منظم مسائل، شواهد و راه‌حل‌ها تعریف کرده است [۶]. با توجه به اهمیت و نقش کلیدی یادگیری در جهان امروز، انتخاب راهبردهای شناختی مناسب و کارآمد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که استفاده از راهبردهای شناختی عمیق به پیشرفت تحصیلی بالاتر منجر شده و استفاده‌ی بیشتر از راهبردهای سطحی، کاهش پیشرفت تحصیلی را در پی دارد. همچنین، یافته‌های پژوهش والکر^۲، گرین^۳ و منسل^۴ در سال ۲۰۰۶ [۷] نیز نشان داده‌اند که بین خودکارآمدی و انگیزش درونی، با به‌کارگیری راهبردهای شناختی عمیق، رابطه وجود دارد. با توجه به پژوهش‌های انجام شده و مطالعات صورت گرفته، این مسأله مورد توجه قرار می‌گیرد که انتخاب راهبردهای شناختی عمیق و کاربردی توسط یادگیرندگان حائز اهمیت است. البته باید این مسأله را مدنظر قرار داد که تمامی افراد از تمامی راهبردهای شناختی استفاده می‌کنند؛ ولی معمولاً یکی از آنها را بر موارد دیگر ترجیح می‌دهند. در آموزش باید سعی شود یادگیرندگان را به استفاده از راهبردهای عمیق، و شناسایی موارد ترجیحی بر بقیه‌ی موارد ترغیب کرد. در اینجا این مسأله مورد توجه قرار می‌گیرد که چگونه می‌توان میزان استفاده از راهبردهای عمیق یادگیری در دانش‌آموزان را بیشتر کرد؟ برای پاسخ به این مسأله باید از دیدگاه روانشناسی کنترل درونی و تئوری انتخاب مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس تئوری انتخاب هر فردی در دنیای کیفی خود را داشته و آن را با واقعیت‌های پیرامونی خود مقایسه می‌کند و سپس با استفاده از آن به‌صورت هوشمندانه رفتارهایی را انتخاب می‌کند که او را به رسیدن به اهدافش نزدیک می‌کند.

۲-۲- موارد مورد بررسی

جامعه‌ی آماری این پژوهش عبارت بود از، دانش‌آموزان پسر دوره‌ی ابتدایی در پایه‌ی اول و دوم در شش ماه اول سال تحصیلی ۹۸-۹۷ و ۹۹-۹۸ که در دبستان مجتمع آموزشی رهیار شعبه پونک مشغول به تحصیل بودند. کال و بورگ^۵ (۲۰۰۶) [۱۰] قاعده‌ای را پیشنهاد کرده‌اند که طبق آن برای تحقیقات آزمایشی و شبه‌آزمایشی، تعداد حداقل ۱۵ نفر برای هر یک از گروه‌های آزمایش و شاهد پیشنهاد شده است [۶]. نمونه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۵۰ دانش‌آموز بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. این افراد به‌طور تصادفی در دو گروه ۳۰ نفری به‌عنوان گروه آزمایش و گروه کنترل جایگزین شدند. دوره‌ی آموزشی گروه آزمایش در پایه‌ی اول و دوم دبستان مجتمع آموزشی رهیار شعبه پونک اجرا شد. به‌دلیل بررسی دقیق گروه آزمایش در ۶ ماه اول سال تحصیلی دو سال متوالی مورد بررسی قرار گرفت.

۳- ابزار :

راهبردهای شناختی افراد در طی فرایند یادگیری با استفاده از کابرها و فعالیت‌های عملی داده شده در آموزش اندازه‌گیری شد. چهار راهبرد شناختی شامل مرور، بسط، سازماندهی و تفکر انتقادی در این مقیاس اندازه‌گیری شد. موارد مشابهی با این پژوهش با جامعه آماری متفاوت در سطح دانشگاه و دانشجویان با استفاده از پرسشنامه‌ی MSLQ که توسط پینتریج^۶ و دگروت^۷ در سال ۱۹۹۰ ساخته شده است؛ در سال ۱۳۹۰ توسط خرماهی، عباسی و رجبی و در سال ۱۳۹۶ توسط علیزاده‌فرد و مه‌پویا انجام شده است. و این روش در جامعه‌ی ایران تأیید شده است.

استفاده از روش‌های تئوری انتخاب در یادگیری به مدت ۶ ماه اول سال تحصیلی و حداقل هفته‌ای ۲ جلسه مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۱ محتوای استفاده شده در ۲۴ جلسه را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد.

بنابراین بعضی از رفتارها ممکن است در رسیدن به یک هدف نتیجه‌بخش باشد ولی در رسیدن به هدفی دیگر نتیجه‌ای نداشته باشد. مثلاً ممکن است به‌کارگیری راهبردهای شناختی سطحی، در یادگیری سطحی مؤثر باشد ولی در درازمدت تأثیری نداشته باشد. طبق تئوری انتخاب با تغییر دنیای کیفی و ادراکی فرد، می‌توان این توازن کوتاه‌مدت را برهم زد و فرد را به سمت انتخاب رفتار مؤثر دیگری راهنمایی کرد [۲].

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که استفاده از تئوری انتخاب موجب حذف بسیاری از رفتارهای ناکارآمد و تغییر در آن‌ها می‌شود؛ به-عنوان مثال آموزش تئوری انتخاب بر میزان شادکامی، افزایش عزت نفس و کانون مهاردرونی [۳]. مسئولیت‌پذیری و عزت نفس [۸]. امید به زندگی و اضطراب، افزایش توان مقابله با رفتارهای قلدرانه [۹]، کاهش بحران هویت دانش‌آموزان، افزایش پیشرفت تحصیلی، افزایش خودپنداره‌ی مثبت و افزایش استفاده از راهبردهای شناختی عمیق‌تر در فرد [۶] نشان داده است.

بنابراین، سؤال اصلی این پژوهش به این شکل طرح می‌شود که آیا به‌کارگیری روش‌های تئوری انتخاب در کلاس درس می‌تواند موجب تغییر در میزان یادگیری و شرایط رفتاری دانش‌آموزان شده و آن را به سمت کیفیت بالاتر سوق دهد؟ و فرض پژوهش حاضر این است که استفاده از تئوری انتخاب در روش‌های یادگیری-یاددهی و کنترل کلاس موجب افزایش کیفیت یادگیری و بهبود شرایط روحی و روانی (رفتاری) دانش‌آموز می‌گردد.

۲- روش

۱-۲- فرضیه :

این مطالعه از نوع شبه آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون همراه با گروه شاهد است. متغیر مستقل، آموزش در کلاس با استفاده از روش‌های ارائه شده در تئوری انتخاب طی ۲۴ جلسه در مدت ۶ ماه و در دو سال مختلف و پایه‌های تحصیلی اول و دوم ابتدایی و سطح کیفی یادگیری و رفتاری به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

جدول ۱. خلاصه روش‌های تئوری انتخاب استفاده شده در کلاس یادگیری

جلسه	روش مورد استفاده
۱-۲-۳-۴	راهنمایی و کمک به تشکیل دنیای مطلوب در دانش‌آموزان و آشنایی با چگونگی بروز رفتار از جانب ما
۵-۶-۷-۸	معرفی رفتارهای مخرب و جایگزینی رفتارهای سازنده
۹-۱۰-۱۱-۱۲	آشنایی دانش‌آموزان با پنج نیاز اساسی و چهار مؤلفه رفتار: فکر، عمل، احساس و فیزیولوژی
۱۳-۱۴-۱۵-۱۶	ساخت تصویر واقع‌گرایانه از اهداف
۱۷-۱۸-۱۹-۲۰	طرح و برنامه‌ریزی برای دستیابی به اهداف
۲۱-۲۲-۲۳-۲۴	توجه به نیازهای اساسی دانش‌آموزان به‌صورت فردی

۴- نتایج

آمارهای توصیفی مربوط به متغیرها استخراج شد که در جدول ۲ آورده شده است.

در این مرحله، به تجزیه و تحلیل داده‌ها اقدام شد. ابتدا نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌های آزمایش و شاهد بررسی و

جدول شماره ۲. میانگین و انحراف استاندارد راهبردهای شناختی یادگیری در گروههای کنترل و آزمایش در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیرها	گروهها	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
مرور	آزمایش	۵۰/۲۶	۶/۰۴	۵۹/۸۶	۶/۱۱
	کنترل	۵۰/۴۶	۶/۱۰	۵۰/۶۶	۵/۹۶
بسط	آزمایش	۶۵/۵۳	۳/۱۳	۷۴/۹۳	۳/۵۵
	کنترل	۶۳/۳۳	۴/۵۳	۶۳/۷۳	۴/۴۹
سازماندهی	آزمایش	۵۷/۹۳	۵/۳۳	۶۵/۶۶	۵/۸۱
	کنترل	۶۰/۹۳	۵/۹۳	۶۱/۰۶	۶/۲۹
تفکر انتقادی	آزمایش	۵۹/۳۱	۳/۰۷	۷۱/۶۸	۲/۳۵
	کنترل	۶۱/۵۰	۴/۹۶	۶۱/۲۵	۴/۰۵

پس از کسب یافته‌های توصیفی، در جدول شماره ۳ نتایج تحلیل واریانس‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۳. نتایج تحلیل واریانس‌ها در مؤلفه مرور

متغیر	مجموع مجزورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
مرور	۴۱۰/۰۲	۲	۲۰۵/۰۱	۵۳/۰۳	۰/۰۰۰۱

در مؤلفه مرور در گروه‌های مورد بررسی سطح معناداری با مقدار $P=۰/۰۰۰۱$ معنادار بوده نشان می‌دهد این مؤلفه در جامعه‌ی آماری مورد بررسی معنادار بوده و تأثیر مثبتی داشته است.

جدول شماره ۴. نتایج تحلیل میانگین‌ها در مؤلفه بسط

گروه	میانگین	انحراف معیار	اختلاف میانگین	درجه آزادی	سطح معناداری
آزمایش	۹/۴	۱/۸۸	۹	۲۸	۰/۰۰۰۱
کنترل	۰/۴	۱/۱۲			

نتایج ارائه شده در جدول شماره ۴ بعد از بررسی میانگین‌های گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه‌ی بسط بدست آمده است و نشان می‌دهد با اختلاف میانگین ۹ و سطح معناداری $P=۰/۰۰۰۱$ در آزمون آماری t مستقل و با توجه به فرضیه‌های ارائه شده در این زمینه در مقایسه گروه‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار بوده است.

نتایج ارائه شده در جدول شماره ۴ بعد از بررسی میانگین‌های گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه‌ی بسط بدست آمده است و نشان می‌دهد با اختلاف میانگین ۹ و سطح معناداری $P=۰/۰۰۰۱$ در آزمون آماری t مستقل و با توجه به فرضیه‌های ارائه شده در این زمینه در مقایسه گروه‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار بوده است.

جدول شماره ۵. نتایج تحلیل میانگین‌ها در مؤلفه سازماندهی

گروه	میانگین	انحراف معیار	اختلاف میانگین	درجه آزادی	سطح معناداری
آزمایش	۷/۷۳	۲/۸۱	۷/۶	۲۸	۰/۰۰۰۱
کنترل	۰/۱۳	۱/۲۴			

روش آماری t مستقل و مقایسه آنها در پیش آزمون و پس آزمون با سطح معناداری $P=0/0001$ ، معنادار است.

نتایج ارائه شده در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که میانگین‌های گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه‌ی سازماندهی با استفاده از

جدول شماره ۶. نتایج تحلیل میانگین‌ها در مؤلفه تفکر انتقادی

گروه	میانگین	انحراف معیار	اختلاف میانگین	درجه آزادی	سطح معناداری
آزمایش	۷/۵۹	۱/۸۳	۷/۱۲	۲۸	/۰۰۰۱
کنترل	۰/۴۷	۰/۳۲			

افزایش کنترل درونی می‌شود. و از طرفی تحقیق دیگری نشان می‌دهد که کنترل درونی، درگیری شناختی عمیقی را در یادگیرندگان پیش‌بینی کرده و کنترل درونی منجر به استفاده‌ی بیشتر از راهبردهای شناختی عمیق و استفاده‌ی کمتر از راهبردهای سطحی یادگیری در آنها شده است. با توجه به نتایج بدست آمده در یافته‌های تحقیقات ذکر شده با یافته‌های بدست آمده از پژوهش انجام شده، می‌توان نتیجه گرفت که به‌کارگیری روش‌های تئوری انتخاب از طریق افزایش کنترل درونی در دانش‌آموزان به درگیری شناختی عمیق آنها و استفاده‌ی کمتر از راهبرد شناختی سطحی در یادگیری شده است. یکی از آموزه‌های مهم این نظریه، انتخاب رفتارهای کارآمد در موقعیت‌های مختلف زندگی است. براساس این تئوری، هر رفتار یک انتخاب است.

البته با توجه به پایه‌های تحصیلی مورد بررسی در این پژوهش مواردی نیز در محدود کردن بعضی از روش‌ها جهت رسیدن به اهداف نهایی وجود داشته است.

نتایج بدست آمده از آزمون آماری t مستقل که بر روی میانگین‌های گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه‌ی تفکر انتقادی صورت گرفت در جدول شماره ۶ درج گردیده است، و نشان می‌دهد که در مقایسه آنها در پیش آزمون و پس آزمون با سطح معناداری $P=0/0001$ ، معنادار است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش تئوری انتخاب بر به‌کارگیری راهبردهای شناختی یادگیری صورت پذیرفت. همانگونه که از اطلاعات مندرج در جدول‌ها مشخص است، آموزش مفاهیمی از تئوری انتخاب توانسته است به‌کارگیری راهبرد شناختی را تغییر دهد. میزان راهبرد مرور، به عنوان یکی از راهبردهای شناختی یادگیری، با استفاده از روش‌های تئوری انتخاب، به‌طور معناداری کاهش یافته است. و مؤلفه‌های دیگر یعنی بسط، سازماندهی و تفکر انتقادی به‌طور معناداری افزایش یافته است. با توجه به این نتایج می‌توان گفت که در مجموع فرضیه‌ی پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است. این نتایج با نتایج پژوهش‌هایی درباره‌ی مؤثر بودن روش‌های تئوری انتخاب در آموزش همسو است؛ از جمله نتایج پژوهش‌های صاحبی (۱۳۹۰) [۳]، موسوی اصل (۱۳۸۸) [۸]، و علیزاده و همکاران (۱۳۹۶) [۶] نشان می‌دهد که استفاده از تئوری انتخاب در آموزش باعث افزایش اعتماد به نفس و کارآمد بودن فرد در یادگیری می‌شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش تئوری انتخاب موجب افزایش پیشرفت دانش‌آموزان می‌شود. از طرف دیگر نتایج پژوهش‌های پالوس^۸، مونتیتو^۹، کاستی^{۱۰} و ماکسینگا^{۱۱} (۲۰۱۱) [۱۱]، رستگار و همکاران (۱۳۹۰) [۱۲]، اشعری و همکاران (۱۳۸۹) [۱۳]، رابطه بین درگیری شناختی و پیشرفت تحصیلی را نشان داده است. بر اساس گفته‌ی ویلیام گلسر^{۱۲} (۱۳۹۰) [۲]، آموزش تئوری انتخاب و استفاده از روش‌های آن در یادگیری می‌تواند موجب دستیابی به اهداف یادگیری شود. یکی از اهداف یادگیری تئوری انتخاب، رسیدن به کنترل درونی است. پژوهش صاحبی (۱۳۹۰) [۳] نیز نشان می‌دهد آموزش تئوری انتخاب موجب

واژه نامه

- | | |
|---------------|------------|
| 1. Mac Loid | وول فولک |
| 2. Walker | والکر |
| 3. Greene | گرین |
| 4. Mansell | منسل |
| 5. Gall, Borg | گال و بورگ |
| 6. Pintrich | پینتریش |
| 7. Degroot | دگروت |
| 8. Palos | پالوس |
| 9. Munteanu | مونتیتو |
| 10. Costea | کاستی |
| 11. Macinga | ماکسینگا |
| 12. Glsser | گلسر |

- Azad University, Ahvaz Science and Research Branch. 2009.
- [9] Razi Moradi M, Etemadi A, Naeim Abadi E. The effectiveness of group counseling based on William Glasser's selection theory with bullying victim students to increase their ability to deal with bullying behaviors. *Journal of Psychological Studies, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Al-Zahra University*, 2010; 6(4): 11-36.
- [10] Gall MD, Gall JP, Borg WR. *Educational research: An introduction (8th ed.)*. Boston: Alley & Bacon. 2006.
- [11] Palos R, Munteanu A, Costea I, Macsinga I. Motivational and cognitive variables with impact on academic performance Preliminary study. *Procedia Social and Behavioral Science*, 2011; 15:138-142.
- [12] Rastegar A, Ghorban Jahromi R, Mazlounian S. Relationship between IQ beliefs, development goals and cognitive involvement in high school students. *Journal of Psychology*, 2011; 15(1): 103-90.
- [13] Ash'ari N, Shafi'abadi, A, Sudani M. Evaluation of the effectiveness of teaching learning strategies on academic performance and self-regulated learning of female pre-university students in Ahvaz. *Journal of New Findings in Psychology*, 2009; 5(13): 7-22.
- [1] Glsser W .Every student can succeed. Translation: Sahebi A. Tehran Publishing, Sayeh Sokhan. 2012. [Persian]
- [2] Glsser W. Selection theory. (Translated by Ali Sahebi). Tehran: Sayeh Sokhan Publications. (Date of publication in the original language 1994). 2011.
- [3] Sahebi, A. The effectiveness of selection theory and reality therapy training on increasing self-esteem and internal control center of high school students in Mashhad. *Journal of Principles of Mental Health*, 2011; 14(2):180-172.
- [4] Hergenhan Baldwin R, Olson M. *Introduction to Learning Theories*. (Translated by Ali Akbar Seif). Tehran: Doran Publishing. 2013.
- [5] Fetsco, T, McClure J. *Educational Psychology; an integrated approach to classroom decisions*, Allyn and Bacon, Boston, USA. 2005.
- [6] Alizadeh Fard S, Mahpooya R. The effect of teaching choice theory on students' cognitive learning strategies. *Journal of Educational Psychology Studies*, 2017; (27): 180-161.
- [7] Walker CO, Greene BA, Mansell RA. Identification with academics, intrinsic/extrinsic motivation, and self-efficacy as predictor. 2006.
- [8] Mousavi Asl J. The effectiveness of group selection theory and reality therapy training on responsibility and self-esteem of female students. Master Thesis in Counseling,